

## ارزیابی نقش توسعه اجتماعی در تحکیم حس مکانی.

### مطالعه موردی: محلات ناحیه ۱۰ شهر سنندج

کرامت‌اله زیاری<sup>۱</sup>، امیر شریفی<sup>۲\*</sup>، کیومرث نعیمی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران،

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران،

<sup>۳</sup>دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۲

#### چکیده

حس مکانی ناشی از سکونت در محله‌های مختلف یک شهر متفاوت است. بالا بودن حس مکان در یک شهر بیانگر مهم بودن شهر برای ساکنان آن است که می‌تواند برای شهر نتایج مثبتی را به همراه داشته باشد. برنامه‌ریزان شهری باید به مفهوم حس مکان به عنوان یکی از مؤلفه‌های شهر مطلوب بنگرند و برای نیل به آن اقدام به برنامه‌ریزی کنند. یکی از استراتژی‌های تحکیم حس مکان، ارتقای سطح توسعه‌ی اجتماعی است. هدف از این تحقیق، سنجش سطح توسعه‌ی اجتماعی در چهار محله‌ی ناحیه‌ی ۱۰ شهر سنندج و ارزیابی نقش آن در تحکیم حس مکانی است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و مطالعه‌ی پیمایشی است. در فرایند این پژوهش ابتدا با استفاده از نظرات دوازده نفر از کارشناسان شهرداری و شورای شهر سنندج و ۲۸ نفر از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی ساکن در ناحیه‌ی محلات ناحیه‌ی ۱۰ شهر سنندج، وضعیت توسعه‌یافتگی اجتماعی محلات از نظر معیارهایی همچون سطوح امنیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، سطح اعتماد، دامنه‌ی تعامل، گرایش به ارزش‌ها و هنجارها در قالب مدل AHP سنجش و ارزیابی شد. در مرحله‌ی بعد با توزیع پرسش‌نامه سنجش حس مکانی در میان ۳۷۷ نفر از ساکنان ناحیه، مرحله‌ی دوم تحقیق نیز به پایان رسید. در مرحله سوم با استفاده از آزمون آماری پیرسون، رابطه‌ی میان سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی محلات و حس مکانی ساکنان محلات چهارگانه ارزیابی و تحلیل شد. نتایج این آزمون نشان از وجود رابطه مثبت و مستقیم میان توسعه‌ی اجتماعی و حس مکانی دارد. بر این اساس محله‌ی یک که دارای بالاترین میزان سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی بوده، بیش‌ترین میزان حس مکانی را نیز داشته است.

**واژگان کلیدی:** توسعه‌ی اجتماعی، مدل AHP، ناحیه ۱۰ سنندج، حس مکان، آزمون آماری.

### مقدمه و بیان مسأله

از گذشته‌های دور، محلات مسکونی در شهرها به عنوان سلول‌های حیات شهری، نقش اساسی در زندگی ساکنان آن‌ها داشته‌اند. با توجه به این‌که در گذشته محلات شهری، مکان‌هایی برای گردآمدن افراد با ویژگی‌های قومی- نژادی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و مشترک بوده‌اند، به دنبال تجمع بیش‌تر افراد با ویژگی‌های مشترک در یک محدوده، آن بخش از شهر هویت خاص و شناخته شده‌ای داشت که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌ها یا اطراف می‌گردید. همین عامل در آن محدوده سبب ایجاد فضاهایی با کارکرد و عملکردهای خاص می‌شد که بافت آن را نیز از محدوده‌های اطراف متمایز می‌کرد (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹: ۱۱۴). طی فرایند توسعه، تغییراتی بنیادین در ویژگی‌های یک جامعه رخ می‌دهد، تغییراتی که انتظار می‌رود جامعه را به سوی شرایط مادی و معنوی بهتری هدایت کند و به لحاظ توان آحاد جامعه برای تأمین معاش، اعتماد به نفس و آزادی، در جایگاهی مطلوب‌تر از قبل قرار دهد (حبیبی بدرآبادی، ۱۳۹۰: ۶۸). تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که تحقق این اهداف، تنها با تأکید بر توسعه اقتصادی امکان‌پذیر نیست، بلکه برای دستیابی به توسعه پایدار باید در کنار اهداف اقتصادی، مسایل اجتماعی نیز مد نظر قرار گیرد. مقصود از توسعه اجتماعی، کنش متقابلی است که همراه با توسعه تمدن در یک جامعه رخ می‌دهد. توسعه اجتماعی بر کیفیت عملکرد سیستم اجتماعی برای تحقق عدالت اجتماعی، یکپارچگی و انسجام اجتماعی و نیز کیفیت زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد (کلانتری، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

پس از گزارش کمیسیون جهانی زیست و توسعه (WCDE) به سازمان ملل متحد که در آن تأکید کرده بود که توسعه پایدار نیازمند توجه هماهنگ به شرایط اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی است، پایداری اجتماعی اهمیت بنیادین و بسیار مهمی داشته است. در واقع به همراه محیط‌زیست و اقتصاد، ملاحظات اجتماعی سه عنصر بنیادین پایداری به شمار می‌آیند (Scoot et al., 2000: 434). از آنجایی که توسعه اجتماعی شهرها یکی از زیر بخش‌های بسیار مهم توسعه شهری در مفهوم کیفی آن است، بنابراین باید این موضوع به روشنی مطرح شود که توسعه اجتماعی می‌تواند چه نتایجی را به همراه داشته باشد. یکی از موضوعاتی که امروزه در عرصه‌های شهری مطرح شده است، نقش توسعه اجتماعی در ارتقای حس مکانی (به‌ویژه حس مکان در سطح محله‌های شهری) شهروندان در سطح شهرهاست. برخی از محققین این فرضیه را مطرح کرده‌اند که آیا توسعه اجتماعی می‌تواند سبب ماندگاری شهروندان شهرهای جدید در بلندمدت شود. این دسته از محققین نقش توسعه اجتماعی را در این ماندگاری، غیر مستقیم می‌دانند؛ به گونه‌ای که توسعه اجتماعی شهرها باعث ارتقای حس تعلق مکانی شهروندان می‌شود و در نهایت این حس تعلق سبب ماندگاری آنان در این شهرها می‌شود (Putnam, 1993; Coleman, 1990; Onyx & Bullen, 2000).

در این پژوهش که از بعد اجتماعی به حس مکان نگریسته است و در نوع خود نو است، دامنه‌ی چهارچوب نظری بسیار محدود دارد. این پژوهش در پی آن است که آیا امروزه توسعه‌ی اجتماعی شهرهای می‌تواند بحران حس عدم تعلق مکانی را (لا مکانی شهرها) که مشکلات متنوعی (احساس ناامنی در شهرها، افزایش جرایم شهری، تخریب‌گرایی در شهرها، موازنه‌های مهاجرتی منفی، مشارکت نکردن شهروندان در مدیریت شهری و تضادهای فرهنگی) را در شهرها به وجود آورده است، به پایان ببرد و محیط‌های شهری را به سکونت‌گاه‌هایی پایدار تبدیل کند.

### مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

توسعه، امری چندبعدی شامل ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، انسانی و اجتماعی است. فرایند توسعه‌ی اجتماعی فراگیرترین بعد توسعه است که موجب بهبود مستمر کیفیت زندگی فرد و جامعه می‌شود. توسعه‌ی اجتماعی از مفاهیمی است که با شیوه‌ی زندگی افراد یک جامعه، پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی، بیش‌تر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌ی فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت است (توسلی، ۱۳۷۲: ۴۳۸). توسعه‌ی اجتماعی همچنین مسیری است برای ارتقای مستمر جامعه و نظام اجتماعی با بهره‌گیری از مواهب طبیعی، بهبود روابط اجتماعی و امکان رشد افراد از جنبه‌های گوناگون انسانی و نیز نهادسازی و تقسیم دوباره‌ی نقش‌های اجتماعی برای دستیابی به عدالت و وفاق و افزایش ضریب امنیت اجتماعی (کلانتری و گنجی، ۱۳۸۴: ۱۴۷). امنیت از اساسی‌ترین نیاز انسان‌ها است، به طوری که نبود آن چالشی بزرگ برای انسان‌ها و لذت بردن آن‌ها از زندگی است (David, 1955: 36). پس می‌توان گفت که تصور بی‌نیازی از آن محال است. با گذر زمان و عبور از دوره‌های مختلف، جوامع مختلف نیز دچار تغییرات زیادی شده‌اند و امنیت نیز همچون سایر عرصه‌های زندگی از خاص و کوچک به عام و گسترده تغییر کرده است (Zender, 2007: 138). بر این اساس می‌توان گفت امنیت بر گرفته از واژه‌ی امن است. امن ضد ترس و به گفته‌ی برخی نقیض آن است. امنیت در لغت، حالت فراغت از خطر هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله است (دهقان، ۱۳۸۳: ۱۱). امنیت اجتماعی به مفهوم وجود شرایطی است که در آن، آرامش خاطر جامعه در برابر تهدیدات نسبت به سلامت جسم و جان، مال، معیشت، آموزش و مسکن و تمامی ارزش‌های مادی و معنوی افراد و گروه‌های اجتماعی در چهارچوب قوانین کشور به طور نسبی تأمین گردد (صفایی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۶). از دیدگاه جامعه‌شناختی، انسجام و همبستگی پدیده‌ای است که بر اساس آن «در سطح یک گروه یا جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته و متقابلاً نیازمند یکدیگر هستند. این امر مستلزم طرد آگاهی و نفی اخلاقی مبتنی بر تقابل و مسئولیت نیست، بلکه دعوت به احراز و کسب این ارزش‌ها

و احساس الزام متقابل است» (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۰۰). انسجام اجتماعی را می‌توان به احساس یکپارچگی افراد جامعه، روابط دوستانه و محبت‌آمیز، میزان روابط اجتماعی و تعامل‌های گروهی بر اساس ارزش‌های مشترک و منسجم تعریف کرد (نیازی، ۱۳۸۳: ۶). به عبارتی دیگر انسجام، دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد. «انسجام در کل ناظر بر میزان و الگوی رابطه‌ی میان کنش‌گران، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته است» (افروغ، ۱۳۷۸: ۱۴۰).

از نظر دورکیم انسجام اجتماعی می‌تواند وحدت، سلامت و یکپارچگی گروه را تأمین کند. به نظر وی «هر جا این همبستگی نیرومندتر باشد، بر میزان روابط متقابل میان آنان می‌افزاید و بر عکس هرچه میزان همبستگی کم‌تر باشد، از تنوع روابط و برخورد‌های میان افراد جامعه کاسته خواهد شد» (تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۳۳). پارسونز در تحلیل انسجام در سطح نظام اجتماعی، سطح بالای انسجام را زمانی می‌داند «که کنش‌های افراد، اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش‌هاست که مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران و جامعه به حد اعلا می‌رسد» (نیازی، ۱۳۸۱: ۵۸). می‌توان اعتماد را حسن‌ظن فرد نسبت به افراد جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با سایر افراد جامعه می‌شود. در اینجا افراد جامعه، گستره‌ای از کسانی را که با فرد تعامل دارند، در بر می‌گیرد (کوهن، ۲۰۰۱: ۸۴). گیدنز، اعتماد را اطمینان یا اتکا به ماهیت یا خاصیت شخص یا چیزی یا صحت گفته‌ای توصیف کرده است. زیمیل اعتماد را شکلی از ایمان و وابستگی مطمئن به یک نفر یا یک اصل تعریف می‌کند و زتومکا، اعتماد و اعتماد کردن را نوعی استراتژی مهم در مواجهه با شرایط نامعین و کنترل آینده می‌داند (وثوقی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۴-۱۳۵). اعتماد برای روابط انسانی حضوری دایمی و اجتناب‌ناپذیر است و بدون عنصر اعتماد و معنای مشترک، برقراری روابط اجتماعی پایدار میسر نیست. جامعه‌شناسان به این اعتقاد پی برده‌اند که بدون اعتماد، زندگی اجتماعی روزمره‌ای که آن را مسلّم و بدیهی می‌پنداریم، ناممکن است (زتومکا، ۱۳۸۷: ۲). کنش متقابل اجتماعی اشاره به وضعیتی دارد که در آن تأثیر رفتارهای کنش‌گر بر رفتارهای دیگری قابل تشخیص است. بنابراین کنش متقابل اجتماعی در معنی دقیق‌تر، در برگزیده فرآیندی است که به وسیله آن، اعمال آشکار، قصدهای سنجیده افراد و تأثیر افراد بر دیگران پوشش داده می‌شود و بالعکس. آنچه که در کنش متقابل اجتماعی بیشتر نمود دارد، انتقال اطلاعات، رسیدن به فهم مشترک از یک موضوع، دریافت بازخورد، ایجاد شبکه روابط اجتماعی، ارزیابی رفتار خودی و مقایسه آن با رفتار دیگران و مواردی جز آن است (Chua, 2002: 378). به گفته کوئن ارزش‌ها، احساسات ریشه‌دار هستند که اعضای یک جامعه در آن سهیم‌اند. همین احساسات غالباً اعمال و رفتار اعضای جامعه را تعیین می‌کند (کوئن، ۱۳۷۰: ۳۹). ارزش‌ها به آرمان‌های جامعه و موضع‌گیری‌های درونی افراد مربوط می‌شود و احساس علاقه را به دنبال دارد. در تعریف ارزش آمده است که ارزش، میزان توانایی یک شیء (چیز، اندیشه یا شخص) در ارضای

یک نیاز یا تمنای انسانی است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۴۵). هنجار به‌عنوان شیوه‌ی تنظیم اجتماعی، از زمان دورکیم تا به حال مورد توجه جامعه‌شناسان بوده است. با این حال تاریخ مفهوم هنجار به زمانی برمی‌گردد که انسان‌ها به ثبت و ضبط رفتارهای خود پرداختند و این مفهوم در تحلیل‌های فلسفی و اخلاقی مورد توجه قرار گرفت، هرچند که واژه‌ی هنجار از نظر مفهوم‌سازی، جدید به‌شمار می‌رود (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۰). هنجارها از این بابت بر ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی اثر می‌گذارند که تجویزکننده و در عین حال نهی‌کننده‌ی رفتارها هستند. هنجارهای اجتماعی را تجلی بیرونی ارزش‌های اجتماعی می‌دانند. هنجارها به این دلیل باقی می‌مانند که با نظام ارزشی جامعه در توافق هستند و به نیازهای اجتماعی پاسخ می‌دهند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۲۲۵). مکان، عنصر اصلی هویت ساکنان آن است. انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نائل شود (حبیبی، ۱۳۸۷: ۳۹). انسان از مکان‌های متفاوت، تصویرهای متفاوتی در ذهن دارد. احساسات او می‌تواند بر ادراکاتش از محیط و شکل‌گیری تصویر ذهنی انسان‌ها تاثیرگذار باشد. بحران مکان به مفهوم بحران معنی اجتماعی از فضا و زمان، از بارزترین مشکلات معاصر است، بحرانی که در ایجاد فضاهای شهری بدون هویت، تاریخ و ارتباط تبلور یافته است (پرتوی، ۱۳۸۲: ۴۲). می‌توان گفت بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی وی را می‌سازد، مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران معرفی می‌کند (وارثی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۵). دانشمندان دیدگاه‌های مختلفی را درباره هویت مکان و هویت مکانی بیان نموده‌اند.

دورکیم با استفاده از دو مفهوم همبستگی مکانیکی (مربوط به جامعه‌ای با اندازه کوچک) و همبستگی ارگانیکی (مربوط به جامعه‌ای با اندازه‌ی بزرگ و پیچیده) درباره‌ی هویت‌های خاص و عام بحث کرده‌اند (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۳۶). در مدل جان پانتر با عنوان مدل حس مکان، محیط شهری به منزله‌ی مکانی متشکل از سه بعد درهم تنیده‌ی کالبد، فعالیت و تصورات است (گلکار، ۱۳۸۰: ۵۳). این سه عنصر مواد خام هویت مکان‌اند و دیالکتیک بین آن‌ها روابط ساختاری این هویت است (افروغ، ۱۳۷۷: ۵۳). واگنر معتقد است که زمان و مکان، انسان و عمل، هویتی تفکیک ناشدنی را می‌سازند؛ بنابراین معنا و عمل عناصری در هم تنیده‌اند که در فهم هویت مکان باید در نظر گرفته شوند (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۳۲۵). برخی از نظریه‌پردازان همچون رلف از مفهوم بی‌مکانی استفاده می‌کنند. از نظر رلف، بی‌مکانی به کیفیت یکسان مکان‌ها اشاره دارد، یعنی مکان‌هایی که مواجهه با یکی‌شان به معنی مواجهه با همه‌ی آن‌هاست و تفاوتی میان اینجا و آنجا وجود ندارد (رضازاده، ۱۳۸۵: ۲۳۸). به تعبیر کوپر مارکوس با گذشت زمان و ایجاد علقه‌ی فرد با محیط، محیط به یک لنگرگاه روانی تبدیل می‌شود و احساس تعلق مکانی شکل می‌گیرد (معلمی، ۱۳۸۶: ۹۱).

شامای (۱۹۹۱) در بررسی خود در مورد سطوح مختلف احساس به مکان، این حس را در هفت سطح طبقه‌بندی می‌کند: رضایتمندی، رجحان مکانی، شناخت مکانی، نمادگرایی مکانی، تعلق مکانی، دل‌بستگی به مکان، تعهد به مکان (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۴) که این تقسیم‌بندی اساس متغیر حس مکانی در این پژوهش بوده است.

### روش پژوهش

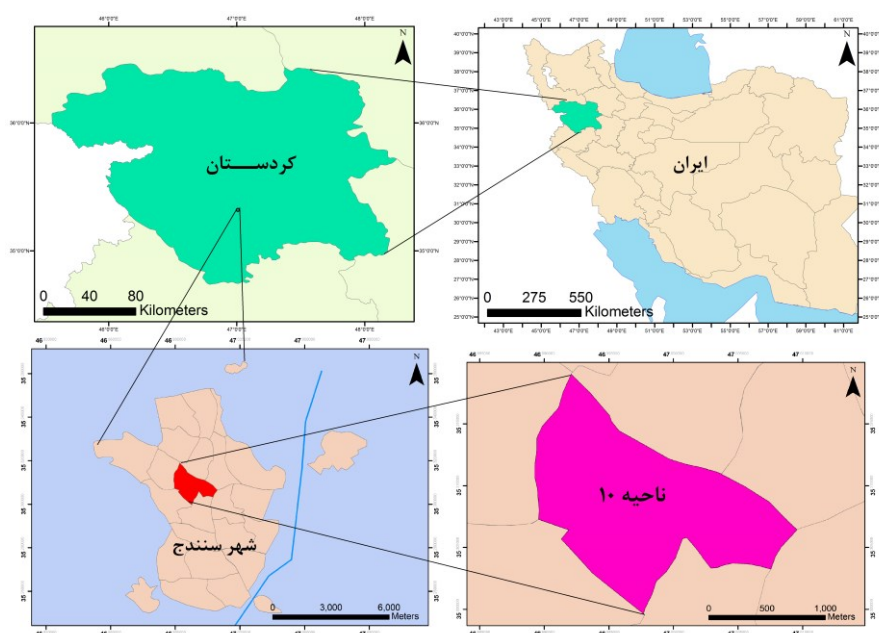
روش تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و مطالعه‌ی پیمایشی است. در فرایند این پژوهش ابتدا با استفاده از نظرات دوازده نفر از کارشناسان شهرداری و شورای شهر سنندج و ۲۸ نفر از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی ساکن در ناحیه‌ی محلات ناحیه ۱۰ شهر سنندج، وضعیت توسعه‌یافتگی اجتماعی محلات از نظر معیارهایی همچون سطوح امنیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، سطح اعتماد، دامن‌های تعامل، گرایش به ارزش‌ها و هنجارها در قالب مدل AHP سنجیده و ارزیابی شد. در مرحله‌ی بعد با توزیع پرسش‌نامه، سنجش حس مکانی در میان ۳۷۷ نفر از ساکنان ناحیه بر اساس فرمول کوکران (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۴۰) و به تفکیک و براساس تعداد جمعیت در هر یک از محلات مرحله‌ی دوم تحقیق نیز به پایان رسید. در مرحله‌ی سوم با استفاده از آزمون آماری پیرسون، رابطه‌ی میان سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی محلات و حس مکانی ساکنان محلات چهارگانه مورد سنجش و تحلیل قرار گرفت.



### محدوده و قلمرو پژوهش

قلمرو مکانی این پژوهش، ناحیه‌ی ۱۰ شهر سنندج (مرکز استان کردستان) است. این ناحیه در شمال منطقه‌ی ۲ این شهر قرار دارد و جمعیت این ناحیه برابر با ۲۰۱۰۷ نفر و مساحت آن ۱۲۵۴۱۵۲ مترمربع است. در این ناحیه چهار محله‌ی شهری قرارداد که محله‌ی یک به قطارچیان و وکیل، محله‌ی دو به ژاندارمری، محله‌ی سه به حسن‌آباد و محله‌ی چهار به تپه قوپال معروف است.

سطح مسکونی در محلات مزبور به ترتیب از محله‌ی یک تا چهار عبارتست از ۵۳/۲ درصد، ۳۷/۱ درصد، ۳۲/۳ درصد، ۴۶ درصد. سرانه‌ی مسکونی در محله ۲، ۳، ۴ متناسب و درحد متوسط شهر است. در محله‌ی یک، سرانه مسکونی ۲۹/۲ مترمربع است. در محله‌ی دو، سرانه مسکونی ۲۶/۵ مترمربع، در محله سه ۲۰/۱ مترمربع و در محله چهار نیز ۳۰/۶ متر مربع است. دلیل متناسب و متعادل بودن سرانه‌ی مسکونی در محلات این ناحیه، نوساز بودن بافت، داشتن طرح و برنامه از قبل تهیه شده، متعادل بودن جمعیت و... است.



شکل ۱- نقشه محدوده پژوهشی

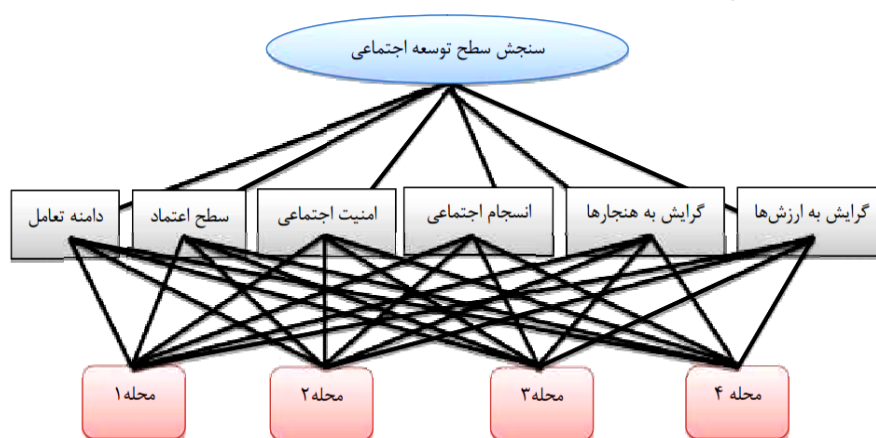
جامعه‌ی آماری در این پژوهش ساکنین، چهار محله ناحیه ۱۰ شهر سنندج است. جمعیت این ناحیه بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۲۰۱۰۷ نفر بوده است. انتخاب این افراد به صورت خوشه‌ای سازمان یافته بوده است که ابتدا بر حسب جمعیت جامعه‌ی آماری (جمعیت شهر سنندج)، حجم نمونه تعیین و آنگاه برحسب هر یک از محله‌ها تعداد نمونه تعیین شد. در این پژوهش برای سنجش روایی کار پیمایش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. گویه‌های سنجش حس تعلق دارای ضریب آلفای ۰/۸۰۳ بودند که در مجموع حکایت از پایایی بالای پرسش‌نامه دارد.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه طراحی شد تا بتوان سطوح مختلف تعلق مکانی را بر اساس طیف لیکرت سنجید. برای این کار، سؤالات در قالب گویه‌هایی که روی طیف پنج درجه‌ای تنظیم شده‌اند، طراحی و هر گویه از یک تا پنج نمره‌گذاری شد؛ به این ترتیب که برای گویه‌های مثبت، گزینه‌ی بسیار موافق با نمره‌ی ۵، گزینه‌ی موافقم با نمره‌ی ۴، گزینه‌ی تاحدی موافقم نمره‌ی ۳، گزینه‌ی مخالفم با نمره‌ی ۲ و گزینه‌ی بسیار مخالفم با نمره‌ی ۱ نمره‌گذاری شد. در مورد گویه‌های منفی این فرایند برعکس شد.

### بحث اصلی

برای به کارگیری روش AHP در فرایند ارزیابی وضعیت توسعه‌یافتگی اجتماعی در محلات چهارگانه‌ی ناحیه‌ی ۱۰ منطقه ۲ شهر سنندج، در قالب چهار مرحله زیر انجام شد:

**ساختن سلسله مراتب:** فرایند شناسایی عناصر و ارتباط بین آن‌ها که یک ساختار سلسله‌مراتبی (شکل ۲) را ایجاد می‌کند، ساختن سلسله مراتب نامیده می‌شود. سلسله مراتبی بودن ساختار به این دلیل است که عناصر تصمیم‌گیری (اهداف، معیارها و گزینه‌ها) را می‌توان در سطوح مختلف خلاصه کرد (Bowen, 1993: 333).



شکل ۲- ساختار سلسله مراتبی (نگارندگان)

**تعیین ضریب اهمیت معیارها و زیر معیارها:** برای تعیین ضریب اهمیت معیارها و زیر معیارها روش‌های مختلفی وجود دارد که معمول‌ترین آن‌ها، مقایسه‌ی زوجی است. در این روش، معیارها دو به دو با یکدیگر مقایسه می‌شود و درجه‌ی اهمیت هر یک از آن‌ها نسبت به دیگری مشخص می‌شود (Bowen, 1990: 135).



جدول ۱- ماتریس مقایسات زوجی شاخص‌ها

شاخص‌ها	دامنه تعامل	سطح اعتماد	امنیت اجتماعی	انسجام اجتماعی	گرایش به هنجارها	گرایش به ارزش‌ها
گرایش به ارزش‌ها	۱/۵	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۲	۱
گرایش به هنجارها	۱/۴	۱	۱/۲	۱/۲	۱	۲
انسجام اجتماعی	۱/۲	۱	۱	۱	۲	۳
امنیت اجتماعی	۱/۲	۱	۱	۱	۲	۲
سطح اعتماد	۱/۳	۱	۱	۱	۱	۲
دامنه تعامل	۱	۳	۲	۲	۴	۵
جمع	۲/۷۸	۷/۵	۶	۵/۸۳	۱۰/۵	۱۵

نرمال‌سازی: پس از تشکیل ماتریس مقایسات زوجی برای شاخص‌ها، مقادیر آنها به هنجار (نرمال) شده است. برای این کار هر مقدار ماتریس بر جمع ستون آن تقسیم شده است.

جدول ۲- ماتریس به هنجار شده مقایسات زوجی شاخص‌ها

شاخص‌ها	اهمیت نسبی شاخص‌ها	دامنه تعامل	سطح اعتماد	امنیت اجتماعی	انسجام اجتماعی	گرایش به هنجارها	گرایش به ارزش‌ها
گرایش به ارزش‌ها	۰,۰۶۵۵۴۷	۰,۰۷۱۸۶	۰,۰۶۶۶۶	۰,۰۸۳۳۳	۰,۰۵۷۱۴	۰,۰۴۷۶۱	۰,۰۶۶۶۶
گرایش به هنجارها	۰,۱۰۳۴۶۲	۰,۰۸۹۸۲	۰,۱۳۳۳۳	۰,۰۸۳۳۳	۰,۰۸۵۷۱	۰,۰۹۵۲۳	۰,۱۳۳۳۳
انسجام اجتماعی	۰,۱۷۳۵۹۱	۰,۱۷۹۶۴	۰,۱۳۳۳۳	۰,۱۶۶۶۶	۰,۱۷۱۴۲	۰,۱۹۰۴۷	۰,۲
امنیت اجتماعی	۰,۱۶۲۴۸	۰,۱۷۹۶۴	۰,۱۳۳۳۳	۰,۱۶۶۶۶	۰,۱۷۱۴۲	۰,۱۹۰۴۷	۰,۱۳۳۳۳
سطح اعتماد	۰,۱۳۶۶۲۷	۰,۱۱۹۷۶	۰,۱۳۳۳۳	۰,۱۶۶۶۶	۰,۱۷۱۴۲	۰,۰۹۵۲۳	۰,۱۳۳۳۳
دامنه تعامل	۰,۳۵۸۲۹۳	۰,۳۵۹۲۸	۰,۴	۰,۳۳۳۳۳	۰,۳۴۲۸۵	۰,۳۸۰۹۵	۰,۱۳۳۳۳

در مرحله بعد همین مراحل از نظر شاخص‌ها برای هر چهار محله انجام شده است.

جدول ۳- ماتریس به هنجار شده مقایسات زوجی محلات از نظر گرایش به ارزش‌ها

گرایش به ارزش‌ها	محله ۱	محله ۲	محله ۳	محله ۴	اهمیت نسبی
محله ۱	۰,۲۶۰۸۷	۰,۲۴	۰,۳	۰,۳۰۷۶۹	۰,۲۷۷۱۴
محله ۲	۰,۵۲۱۷۴	۰,۴۸	۰,۴	۰,۴۶۱۵۴	۰,۴۶۵۸۱۹
محله ۳	۰,۰۸۶۹۶	۰,۱۲	۰,۱	۰,۰۷۶۹۹۲	۰,۰۹۵۹۷
محله ۴	۰,۱۳۰۴۴	۰,۱۶	۰,۲	۰,۱۵۳۸۵	۰,۱۶۱۰۷

جدول ۴- ماتریس به‌هنجار شده مقایسات زوجی محلات از نظر گرایش به هنجارها

گرایش به هنجارها	محله ۱	محله ۲	محله ۳	محله ۴	اهمیت نسبی
محله ۱	۰,۴۸	۰,۵۲۱۷۳۹	۰,۴۶۱۵۳۸	۰,۴	۰,۴۶۵۸۱۹
محله ۲	۰,۲۴	۰,۲۶۰۸۷	۰,۳۰۷۶۹۲	۰,۳	۰,۲۷۷۱۴
محله ۳	۰,۱۶	۰,۱۳۰۴۳۵	۰,۱۵۳۸۴۶	۰,۲	۰,۱۶۱۰۷
محله ۴	۰,۱۲	۰,۰۸۶۹۵۷	۰,۰۷۶۹۲۳	۰,۱	۰,۰۹۵۹۷

جدول ۵- ماتریس به‌هنجار شده مقایسات زوجی محلات از نظر انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی	محله ۱	محله ۲	محله ۳	محله ۴	اهمیت نسبی
محله ۱	۰,۴۸	۰,۵۲۱۷۳۹	۰,۴۷۰۵۸۸	۰,۳۷۵	۰,۴۶۱۸۳۲
محله ۲	۰,۲۴	۰,۲۶۰۸۷	۰,۳۵۲۹۴۱	۰,۲۵	۰,۲۷۵۹۵۳
محله ۳	۰,۱۲	۰,۰۸۶۹۵۷	۰,۱۱۷۶۴۷	۰,۲۵	۰,۱۴۳۶۵۱
محله ۴	۰,۱۶	۰,۱۳۰۴۳۵	۰,۰۵۸۸۲۴	۰,۱۲۵	۰,۱۱۸۵۶۵

جدول ۶- ماتریس به‌هنجار شده مقایسات زوجی محلات از نظر امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی	محله ۱	محله ۲	محله ۳	محله ۴	اهمیت نسبی
محله ۱	۰,۲۶۰۸۷	۰,۲۴	۰,۳	۰,۳۰۷۶۹۲	۰,۲۷۷۱۴
محله ۲	۰,۵۲۱۷۳۹	۰,۴۸	۰,۴	۰,۴۶۱۵۳۸	۰,۴۶۵۸۱۹
محله ۳	۰,۰۸۶۹۵۷	۰,۱۲	۰,۱	۰,۰۷۶۹۲۳	۰,۰۹۵۹۷
محله ۴	۰,۱۳۰۴۳۵	۰,۱۶	۰,۲	۰,۱۵۳۸۴۶	۰,۱۶۱۰۷

جدول ۷- ماتریس به‌هنجار شده مقایسات زوجی محلات از نظر اعتماد اجتماعی

سطح اعتماد	محله ۱	محله ۲	محله ۳	محله ۴	اهمیت نسبی
محله ۱	۰,۲۷۹۰۷	۰,۲۵۶۴۱	۰,۳۳۳۳۳	۰,۳۵۲۹۴۱	۰,۳۰۵۴۳۹
محله ۲	۰,۵۵۸۱۴	۰,۵۱۲۸۲۱	۰,۴۱۶۶۶۷	۰,۴۷۰۵۸۸	۰,۴۸۹۵۵۴
محله ۳	۰,۰۶۹۷۶۷	۰,۱۰۲۵۶۴	۰,۰۸۳۳۳۳	۰,۰۵۸۸۲۴	۰,۰۷۸۶۲۲
محله ۴	۰,۰۹۳۰۲۳	۰,۱۲۸۲۰۵	۰,۱۶۶۶۶۷	۰,۱۱۷۶۴۷	۰,۱۲۶۳۸۶

جدول ۸- ماتریس به‌هنجار شده مقایسات زوجی محلات از نظر دامنه تعامل

دامنه تعامل	محله ۱	محله ۲	محله ۳	محله ۴	اهمیت نسبی
محله ۱	۰,۵۱۲۸۲۱	۰,۵۵۸۱۴	۰,۴۱۶۶۶۷	۰,۴۷۰۵۸۸	۰,۴۸۹۵۵۴
محله ۲	۰,۲۵۶۴۱	۰,۲۷۹۰۷	۰,۳۳۳۳۳۳	۰,۳۵۲۹۴۱	۰,۳۰۵۴۳۹
محله ۳	۰,۰۶۹۷۶۷	۰,۱۰۲۵۶۴	۰,۰۸۳۳۳۳	۰,۰۵۸۸۲۴	۰,۰۷۸۶۲۲
محله ۴	۰,۱۲۸۲۰۵	۰,۰۹۳۰۲۳	۰,۱۶۶۶۶۷	۰,۱۱۷۶۴۷	۰,۱۲۶۳۸۶

مرحله رتبه‌بندی: اکنون اهمیت نسبی شاخص‌ها در ماتریس اهمیت گزینه‌ها از دید هر شاخص ضرب شده و بر پایه‌ی آن، محلات رتبه‌بندی می‌شوند.

دامنه تعامل	سطح اعتماد	امنیت اجتماعی	انسجام اجتماعی	گرایش به هنجارها	گرایش به ارزش‌ها
محله ۱	۰.۳۰۵۴	۰.۲۷۷۱	۰.۴۶۱۸	۰.۴۶۵۸	۰.۲۷۷۱
محله ۲	۰.۳۰۵۴	۰.۴۸۹۵	۰.۲۷۵۹	۰.۲۷۷۱	۰.۴۶۵۸
محله ۳	۰.۰۷۸۶	۰.۰۹۵۹	۰.۱۴۳۶	۰.۱۶۱۰	۰.۰۹۵۹
محله ۴	۰.۱۲۶۳	۰.۱۶۱۰	۰.۱۱۸۵	۰.۰۹۵۹	۰.۱۶۱۰

اهمیت نسبی شاخص	ضریب توسعه یافتگی محلات
۰.۰۶۵۵۴۷	۰.۴۰۸۷
۰.۱۰۳۴۶۲	۰.۳۵۹۱
۰.۱۷۳۵۹۱	۰.۱۰۲۴
۰.۱۶۲۴۸	۰.۱۲۹۷
۰.۱۳۶۶۲۷	
۰.۳۵۸۲۹۳	

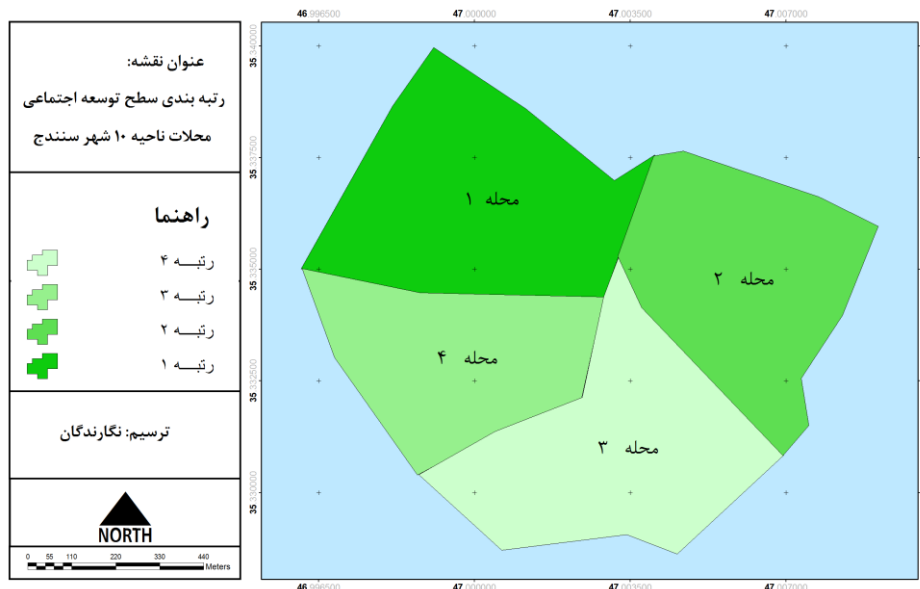
شکل ۲- نمودار رتبه بندی محلات

بنابراین رتبه‌بندی گزینه‌ها این گونه خواهد شد:

محله ۱ > محله ۲ > محله ۴ > محله ۳

بر اساس پاسخ‌های داده شده به نظر می‌رسد که میزان افراد رضایتمند ساکن در هر یک از محلات چهارگانه، ۹۲ درصد در محله‌ی یک، ۸۹ درصد در محله‌ی دو، ۷۸ درصد در محله‌ی چهار و ۶۰ درصد در محله‌ی سه است. محله‌ی یک، بیش‌ترین افرادی را دارد که از محله‌ی خود احساس رضایت دارند. پس روشن است که اگر فردی در محله‌ی یک زندگی می‌کند و از آن محله احساس رضایت دارد، به تبع به سطوح بعدی حس مکانی نیز جواب مثبتی می‌دهد.

آخرین سطح مورد بررسی در زمینه‌ی حس مکانی مربوط به تعهد به مکان است. بر اساس بررسی‌های انجام شده، بیش‌ترین میزان تعهد مکانی مربوط به منطقه‌ی یک است که ۷۱ درصد از ساکنان این محله، نسبت به محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند، احساس رضایت دارند. محله‌ی سه نیز کمترین مقدار (۳۹ درصد) ساکنانی را داشت که نسبت به محل زندگی خود، احساس تعهد دارند. در این میان دو محله‌ی دو و چهار بودند که به ترتیب ۵۵ درصد و ۵۷ درصد ساکنان آن نسبت به محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند، احساس تعهد مکانی (از نوع محله‌ای) دارند.



شکل ۳- نقشه وضعیت توسعه اجتماعی در محدوده‌ی پژوهشی

جدول ۹- وضعیت درصد افرادی که نسبت به محله خود حس مکان دارند و ضریب توسعه اجتماعی

سطح	عنوان سطح	محله ۳	محله ۴	محله ۱	محله ۲
۱	رضایت‌مندی	۶۰	۷۸	۹۲	۸۹
۲	رجحان مکانی	۵۳	۷۲	۸۵	۸۴
۳	شناخت مکانی	۵۸	۶۹	۹۰	۷۷
۴	نمادگرایی مکانی	۵۰	۷۰	۷۸	۶۲
۵	تعلق مکانی	۵۲	۶۵	۶۵	۵۲
۶	دلبستگی به مکان	۴۵	۶۸	۶۲	۵۹
۷	تعهد به مکان	۳۹	۵۷	۷۱	۵۵
۸	ضریب توسعه اجتماعی	۰,۱۰	۰,۱۳	۰,۴۱	۰,۳۶

### نتیجه‌گیری

برای سنجش رابطه‌ی میان میزان توسعه‌ی اجتماعی محلات چهارگانه‌ی ناحیه ۱۰ شهر سنندج از آزمون آماری پیرسون استفاده شده است. این آزمون که در محیط نرم‌افزار SPSS انجام شده است، با

میزان معناداری<sup>۱</sup> ۰/۰۱ و ۰/۰۵ دارای رابطه معنی‌داری است؛ یعنی در شش مورد از همبستگی‌های به کار گرفته شده، میزان معناداری ۰/۰۱ است و تنها در یک رابطه این میزان به ۰/۰۵ رسید. غیر از میزان sig که بیانگر معنی‌دار بودن رابطه است، یکی دیگر از خروجی‌های این برنامه ارزش<sup>۲</sup> است که شدت این روابط را می‌رساند. در این آزمون کم‌ترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه توسعه اجتماعی با دل‌بستگی مکانی است که این مقدار ۰/۲۵۰ است و بیش‌ترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه توسعه اجتماعی و شناخت مکانی است که این مقدار نیز ۰/۸۶۱ است. از آنجایی که میزان ضریب پیرسون در هر هفت رابطه‌ی مورد بحث، مثبت است، بیانگر مستقیم بودن روابط است.

جدول ۱۰- آزمون پیرسون - رابطه بین توسعه اجتماعی و ابعاد حس مکانی

		تعداد مکانی	تعداد مکانی	تعداد مکانی	تعداد مکانی	تعداد مکانی	تعداد مکانی	تعداد مکانی
توسعه اجتماعی	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) N	.823** .000 377	.812** .000 377	.861** .000 377	.534** .000 377	.351* .049 377	.250** .000 377	.693** .000 377

\*\* . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

\* . Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

به این معنی که هر چه به میزان توسعه اجتماعی در میان محلات مختلف ناحیه ۱۰ افزوده می‌شود، بر میزان سطوح مختلف حس مکانی (رضایت، رجحان مکانی، شناخت مکانی، نمادگرایی مکانی، دل‌بستگی مکانی و تعهد مکانی) افزوده می‌شود. در طرف مقابل هرچه از میزان توسعه اجتماعی محلات کاسته می‌شود، متعاقباً از میزان حس مکانی شهروندان کم می‌شود، به گونه‌ای که محله‌ی یک با داشتن ضریب توسعه اجتماعی ۰/۱۰ کمترین تعداد ساکنانی را دارد که نسبت به محله‌ی خود حس مکانی دارند. این وضعیت در محله‌ی سه به گونه‌ای دیگر قابل تشریح است.

به‌طور کلی این پژوهش با دیدگاه اجتماعی مباحث مربوط به حس مکان، پرداخت به این موضوع را روشن نمود که برای تحکیم حس مکانی ساکنان محلات مختلف باید به سطح توسعه اجتماعی محلات توجهی تام داشت زیرا بر اساس این پژوهش، توسعه اجتماعی با تمام سطوح حس مکان رابطه‌ای مستقیم داشته است. بنابراین توسعه اجتماعی به عنوان یک زیربخش توسعه می‌تواند باعث ارتقای حس سکونت در محلات شهری شود.

۱- Sig

۲- Value

## منابع

- ۱- افروغ، عماد. ۱۳۷۷. فضا و نابرابری اجتماعی. تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲- بیرو، آلن. ۱۳۷۰. فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه‌ی باقر سارو خانی. تهران، انتشارات کیهان.
- ۳- پرتوی، پروین. ۱۳۸۲. مکان و بی‌مکانی رویکردی پدیدارشناسانه، هنرهای زیبا، شماره‌ی ۱۴، صص ۴۰-۵۰.
- ۴- توسلی، غلام‌عباس. ۱۳۷۲. جامعیت مفهوم توسعه. مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی توسعه، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.
- ۵- حافظ‌نیا، محمدرضا. ۱۳۸۲. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ نهم، تهران، انتشارات سمت.
- ۶- حبیب‌زاده، شیدرخ سادات؛ هوشنگ ایروانی و خلیل کلاتتری. ۱۳۹۲. تحلیل عاملی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده توسعه‌ی اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان کرج- ۱۳۸۹)، پژوهش‌های روستایی، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۲، صص ۳۲۷-۳۴۶.
- ۷- حبیبی بدرآبادی، محبوبه. ۱۳۹۰. ارائه‌ی شاخص‌هایی برای ارزیابی توسعه‌ی اجتماعی در چهارچوب الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، فصل‌نامه‌ی مطالعات راهبردی بسیج، سال چهاردهم، شماره‌ی ۵۳، زمستان، صص ۶۷-۸۴.
- ۸- دهقان، مهدی. ۱۳۸۳. شهرنشینی و روند افزایش جرایم، مجله‌ی شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره‌ی ۴۱، صص ۹-۱۵.
- ۹- رضازاده، راضیه. ۱۳۸۵. رویکردی روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید. چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- ۱۰- زبردست، اسفندیار. ۱۳۸۳. اندازه‌ی شهر. چاپ اول، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ۱۱- زتومکا، پیوتر. ۱۳۸۷. اعتماد، نظریه‌ی جامعه‌شناختی. ترجمه‌ی غلامرضا غفار. تهران، انتشارات نشر و پژوهش شیرازه.
- ۱۲- ساروخانی، باقر. ۱۳۷۰. دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران، انتشارات کیهان.
- ۱۳- سلیمی، علی و محمد داوری. ۱۳۸۰. جامعه‌شناسی کجروی. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، کتاب اول.
- ۱۴- صفایی‌پور، مسعود و همکاران. ۱۳۸۹. بررسی اثرات مهاجرت در از هم گسیختگی و ناامنی محلات بافت کهن و آسیب‌شناسی آن. دزفول، اولین همایش ملی مهاجرت- نظم و امنیت- دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی نیروی انتظامی خراسان رضوی، صص ۱۴۴-۱۵۱.
- ۱۵- فروزنده، علی جوان و قاسم مطلبی. ۱۳۹۰. مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده‌ی آن، هویت شهر، شماره‌ی هشتم، سال پنجم، صص ۲۷-۳۷.
- ۱۶- قاسمی، وحید و سمیه نگینی. ۱۳۸۹. بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محل‌هایی در شهر اصفهان، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره‌ی هفتم، صص ۱۱۳-۱۳۶.

- ۱۷- قاسمی اصفهانی، مروارید. ۱۳۸۵. بررسی حس مکان در شهرهای جدید (مطالعه‌ی موردی: شهر جدید اندیشه). مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- ۱۸- کلانتری، خلیل. ۱۳۷۷. مفهوم و معیارهای توسعه‌ی اجتماعی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۲، ۱۳۱، مرداد و شهریور.
- ۱۹- کلانتری، صمد. ۱۳۷۷. کاربرد جمعیت‌شناسی. اصفهان، انتشارات مانی.
- ۲۰- کلانتری، صمد و محمد گنجی. ۱۳۸۴. شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی در ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی ۲۱۱ و ۲۱۲، صص ۱۴۶-۱۶۱.
- ۲۱- گلکار، کوروش. ۱۳۸۰، مؤلفه‌های سازنده‌ی کیفیت طراحی شهری، نشریه‌ی علمی- پژوهشی صفا، شماره- ۳۳ ی.
- ۲۲- کوئن، بروس. ۱۳۷۰. درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی محسن سلائی. تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- ۲۳- محسنی، منوچهر. ۱۳۸۶. جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران، طهوری.
- ۲۴- معلمی، محسن. ۱۳۸۶. هویت شهری، هویت مسکونی، مفاهیم گمشده‌ی امروزی، ماهنامه راه و ساختمان، شماره ۴۸.
- ۲۵- نیازی، محسن. ۱۳۸۱. تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهر کاشان در سال ۱۳۸۰، پایان‌نامه‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده‌ی علوم انسانی.
- ۲۶- نیازی، محسن. ۱۳۸۳. تبیین رابطه‌ی بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان شهر کاشان، امداد پژوهان، سال دوم، شماره پنجم، صص ۱-۲۶.
- ۲۷- وارثی، حمید رضا؛ مهدی عامل بافنده و محمد محمدزاده. ۱۳۸۹. بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه‌ی آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه‌ی موردی: شهر گلپهار)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره‌ی دوم، صص ۱۷-۳۶.
- ۲۸- وثوقی، منصور و هاشم آرام. ۱۳۸۸. بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خلخال، مجله‌ی پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره‌ی سوم، گرمسار، صص ۱۳۳-۱۵۳.
- 29- Bowen, W.M. 1990. Subjective judgments and Data Environment Analysis in Site Selection Computer, Environment and Urban Systems, 14: 133-144.
- 30- Bowen, W.M 1993. AHP: Multiple Criteria Evaluation, in Klosterman R. et al., Spread sheet models for urban and regional analysis, New Brunswick: center for urban policy Research.
- 31- Chua, A. 2002. The influence of Social interaction on knowledge creation, Journal of Intellectual Capital, 3(4): 3785-392.
- 32- Coleman, J. 1990. Equality and Achievement in Education 1990. Sanfrancisco: Westview Press.
- 33- David H. 1995. Democracy and the global Order: From the Modern State to Cosmopolitan Governance, Chicago, Stanford University Press.

- 34- Onyx, J., and Bullen, P. 1998. Measuring Social Capital in Five Communities in NSW: An Analysis. Centre for Australian Community Organizations and Management, Working Paper Series No. 41.
- 35- Putnam, R. 1993. Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy. Princeton: Princeton University Press.
- 36- Scott, K., Park, J., and Cocklin, C. 2000. From sustainable rural communities social sustainability: giving voice to diversity in Mangakahi valley, New Zealand, *Journal of Rural Studies* 16(2000): 433-446.
- 37- Zedner, L. 2007. Democracy, Society, and the Government of Security, *Theoretical Criminology*, 11.